



اول دسمبر 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

## نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

سلطنت محمدظاهرشاه و صدارت محمدهاشم خان

(بخش صدم)

### نقش "بانک ملی افغان" در تحول اقتصادی بین سالهای 1311 - 1321:

شرکت سهامی ملی افغان که بتاريخ 28 سنبله 1311 تأسیس شد، با اخذ امتیازات فوق العاده از حکومت، بخصوص امتیاز انحصار واردات قند و شکر، موتر و لوازم مربوطه، انحصار تجارت پوست قره قل، اشتراک یک ملیون افغانی در سهام شرکت انحصارات پترول و تهیه مواد مورد ضرورت حکومت از خارج و از همه مهمتر امتیاز خرید و فروش مسکوکات داخلی و خارجی و صرافی و تهیه اسعار خارجی و نقره و طلای کارآمد حکومت، حیثیت یک مؤسسه بزرگ اقتصادی را در افغانستان کسب کرد و این وسعت و وظایف موجب شد که نام "شرکت سهامی ملی افغان" بتاريخ 9 ثور 1312 به "بانک ملی افغان" تغییر کند.

این اولین بار بود که در تاریخ افغانستان مؤسسه اقتصادی بنام "بانک" با امتیازات بزرگ انحصاری پا بعرضه وجود گذاشت و بسرعت بیک مرجع پرقدرت اقتصادی تبدیل شد که بازم در اس آن برای سالهای متمادی یک شخص و آنهم عبدالمجید خان زابلی قرارداد داشت. از همین طریق زابلی به حیث وزیر تجارت و سپس وزیر اقتصاد ملی با قدرت روز افزون داخل کابینه شد و نقش "سلطان اقتصادی" را در افغانستان بعهد گرفته. او توانست با بسیج نمودن یک تعداد سرمایه داران افغان و جلب اعتماد شان برای سرمایه گذاری در سکتور خصوصی، یک دوره جدید را در انکشاف اقتصادی کشور آغاز کند. این بانک که در سال 1312 (1933) با سرمایه 35 ملیون افغانی (معادل 3.5 ملیون دالرامریکائی به نرخ آنوقت) تأسیس شد، با داشتن امتیازات فوق العاده طی ده سال موفق شد تا سرمایه خود را به بیش از ده چند افزایش دهد. با آنکه در سال 1318 (1939) بانک دیگری بنام "د افغانستان بانک" به حیث بانک مرکزی با سرمایه ابتدائی 200 ملیون افغانی از طرف دولت ایجاد گردید و بانک ملی سهمیه اشتراکیه دولت را به حساب آن بانک انتقال داد، اما انحصارات وارداتی و صادراتی مانند سابق در اختیار بانک ملی و شرکتهای وابسته به آن باقی ماند و این وضع تا ختم جنگ جهانی دوم ادامه یافت.

و ارتان گریگوریان در این باره می نویسد: «بین سالهای 1933 و 1946 بانک ملی موفق شد تا بخش بزرگ سرمایه خصوصی را در کشور جلب کند و در بیش از 50 شرکت سهامی تجارتي و صنعتی سرمایه گذاری نماید. تجار بزرگی که در بانک ملی سهم داشتند، در عین حال سهامدار شرکتهای مذکور بودند. بانک ملی و رئیس آن عبدالمجید خان زابلی علاوه بر انحصار تقریباً کامل مال التجاره عمده وارداتی و صادراتی، بر بخش بزرگ صنایع کشور نیز تسلط یافتند که هر دو بخش صنایع دولتی و صنایع جوان نوتشکیل را احتوا میکرد.» گریگوریان در این ارتباط به یک نکته مهم اشاره میکند و می نویسد: «بانک سرمایه ملی را بسیج نمود و آنرا در دست خود تمرکز بخشید و همکاری پرمفعت دوجانبه را با خانواده شاهی کشور برقرار ساخت و بعضی از اعضای قشراکام از جمله سهامداران آن

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

بودند». (فرهنگ: "افغانستان در پنج قرن اخیر"، صفحه 650، به نقل از- گریگوریان، وارتان: "سیاست خارجی افغانستان..."، صفحه 228)

فعالیت های مهم بانک ملی افغان را میتوان در سه ساحه ذیل خلاصه کرد:

**1 - در ساحه تجارت:** قبل از آنکه مفکوره تأسیس شرکتهای سهامی در کشور به وجود آید، هر تاجر افغان ناگزیر بود اموال خود را به مسئولیت خود و آنهم به نرخ روز و یا به قیمتی که خریدار پیشنهاد می نمود، به مارکیت های خارج عرضه کند، زیرا آنها از یکطرف علاقمند به معامله نده بودند و از طرف دیگر بدون آنکه به انتظار یک قیمت بلندتر باشند، کوشش میکردند هرچه زودتر اموال را فروخته و به وطن برگردند. عموم تاجران خارجی و یا شرکتهای مربوطه شان که از این مشکل تاجران افغان آگاه بودند، از فرصت استفاده کرده مال التجاره افغان را به قیمت نازلتر خریداری میکردند و حتی نمایندگان خود را اعزام میداشتند تا متاع مورد ضرورت را با پیش پرداخت پول به تاجران از بازارهای داخلی به قیمت نازلتر خرید و آنرا به کشور خود انتقال میدادند. حکومت در امور تجارت کوچکترین مداخله نداشت و معاملات بین خود فروشنده و خریدار و به مسئولیت شخصی طرفین صورت میگرفت. همچنان حکومت هیچ کنترل بر نرخ تبادل اسعار و نیز بر مقادیر صادرات و واردات نداشت. معمولاً تفاضل واردات بر صادرات موجب می شد تا تقاضا برای اسعار خارجی بیشتر شود و نرخ تبادل اسعار با افغانی دچار تموج بیش از حد گردد.

پس از آنکه بانک ملی افغان شروع بکار کرد، وضع تغییر کرد و تحولات عمده و مهم در امور تجارت بطور کل پدید آمد. با تأسیس شرکتهای تجاری از طرف بانک و فراهم آوری تسهیلات برای تاجران، امور تجارت خارجی و داخلی رونق تازه یافت، کنترل بر اسعار و نرخ تبادل به وجود آمد و کوشیده شد تا توازن بین واردات و صادرات برقرار شود. با تورید ماشین و آلات و فابریکات کوشش گردید تا تولیدات داخلی جای واردات بعضی اقلام را بگیرد و نیز اقلام صادراتی بطور بهتر بر طبق شرایط بازارهای فروش به خارج صادر و در مارکیت های عمده فروشی با قیمت های مناسب بفروش برسد.

علاوتاً بانک ملی توانست نرخ تبادل افغانی را با دالر بطور ثابت نگهدارد و از این طریق معادلت نرخ تبادل افغانی را با سایر اسعار خارجی تثبیت نماید. بانک همه تاجران را تشویق کرد تا معاملات خویش را از طریق بانک با خارج پیش ببرند و اسعار مزاد از صادرات خویش را در بانک به افغانی تسعیر نمایند. همچنان بانک حاضر شد به تاجران بروی تضمین اموال شان، مبالغی را به حیث پیش پرداخت و یا به شکل قرضه های کوتاه مدت با شرایط سهل و ربح کم که در آنوقت "تکتانه بانکی" نامیده می شد، تادیه نماید. ایجاد نمایندگی های متعدد بانک در مراکز مهم تجاری در داخل کشور و نیز تأسیس نمایندگی های بانک در پشاور، کوئته، بمبئی، کراچی، و لندن و افتتاح یک نمایندگی تجاری در نیویارک سهولت های فراوان را در امور تجارت و نیز انتقال اموال وارداتی و صادراتی برای تاجران و شرکتهای مربوطه فراهم نمود.

بانک ملی افغان طی یک دهه از تأسیس خود (از 1312 تا 1322) موفق شد تا در تشکیل تقریباً یک صد شرکت تجاری نقش فعال بازی کند و سرمایه داران خصوصی را در این زمینه تشویق و کمک نمود و حتی بسیاری از این شرکتهای را به سرمایه و نظارت مستقیم بانک در مراکز بزرگ تجاری کشور (کابل، قندهار، هرات، مزار شریف، غزنی و بغلان) ایجاد و فعال ساخت. طور مثال از چند شرکت مهم آن ذیل نام برده میشود: "بانک ملی افغان" (1933- سرمایه 60 میلیون افغانی)؛ "انحصارات قند و پترول" (1938- سرمایه 30 میلیون افغانی)؛ "شرکت انحصار موتر" (1938- سرمایه 10 میلیون افغانی)؛

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

"شرکت صابر" (1941- سرمایه 10 میلیون افغانی)؛ "شرکت اتحادیه شمالی پنبه" (1935- سرمایه 50 میلیون افغانی)؛ "شرکت قره قل" (1938- سرمایه 55 میلیون افغانی)؛ "شرکت عزیز" (1940- سرمایه 13 میلیون افغانی)؛ "شرکت برق" (1940- سرمایه 18 میلیون افغانی)؛ "شرکت نساجی" (1940- سرمایه 65 میلیون افغانی)؛ "شرکت وطن" (1935- سرمایه 10 میلیون افغانی)؛ "اتحادیه هرات" (1936 - سرمایه 17 میلیون افغانی)؛ "شرکت رفاه رشتیا" (1940- سرمایه 7 میلیون افغانی)؛ "شرکت اخوت مزارشریف" (1940- سرمایه 5 میلیون افغانی)؛ "شرکت اتحادیه اندخوی" (1940- سرمایه 14 میلیون افغانی)؛ "شرکت اتحادیه کابل" (1946- سرمایه 50 میلیون افغانی)؛ "شرکت یووالی" (1946 - سرمایه 11 میلیون افغانی)؛ "شرکت وطن" (قندهار- سرمایه 12 میلیون افغانی)؛ "حجاری و نجاری کابل" (سرمایه 10 میلیون افغانی)؛ "شرکت پشمینه بافی" (سرمایه 10 میلیون افغانی)؛ "شرکت پشمینه بافی قندهار" - سرمایه 5 میلیون افغانی)؛ "شرکت اقبال مزارشریف" - سرمایه 20 میلیون افغانی)؛ و متباقی بیش از 80 شرکت دیگر با سرمایه های کمتر از 5 میلیون افغانی. (برای مزید معلومات دیده شود - کتاب "Commercial Afghanistan"، تألیف محمدعلی، دهلی، 1946، ضمیمه ششم، صفحه 66-70؛ همچنان کتاب "Trade with Afghanistan"، تألیف: محمد شاه، کابل، 1946، ضمیمه هفتم، صفحه 94 تا 103)

**2 - در ساحه صنعت و زراعت:** برای اولین بار صنعت ماشینی در دوره امیر عبدالرحمن خان با احداث یک مرکز صنعتی بنام "ماشینخانه" در کشور آغاز شد و ساحه تولیدی آن بیشتر برای رفع مایحتاج عسکری اختصاص یافته بود. در دوره امیر حبیب الله خان سراج کار تولیدی ماشینخانه رونق بیشتر گرفت و بعد از استرداد استقلال کشور در عصر امرامانی با انفاذ "نظامنامه تشویق صنایع" توجه مزید به انکشاف صنعت ماشینی مبذول شد، بخصوص وقتی شاه امان الله سفر رسمی خود به اروپا رفت، با استفاده از کمک های کشورهای دوست و اخذ قرضه به خرید یک تعداد ماشین و الات و فابریکات کوچک پرداخت، اما وقایع بعدی و اغتشاش سقوی مانع نصب و استفاده از آنها گردید. (برای شرح مزید دیده شود: وکیلی پوپلزائی: "سفرهای غازی امان الله شاه در دوزاده کشور آسیا و اروپا 1307-1306"، چاپ دوم، 1379، صفحه 218-219)

با تأسیس بانک ملی افغان و بکار انداختن سرمایه های خصوصی بین سالهای 1311-1321 یک تعداد فعالیت های مثمر و مهمی در ساحه صنعت و زراعت آغاز گردید که در اینجا به ذکر مختصر بعضی از آنها بسنده میشود: زراعت پنبه در ولایات شمال کشور از جمله در امام صاحب، تالقان، حاجیگک، دولت آباد، بغلان و مزارشریف سریعاً انکشاف کرد و توأم با آن دستگاه های بزرگ ماشینی برای تصفیه و جن و پرس پنبه (پخته) در شهر قندز (شرکت سپین زر) بکار انداخته شد که سالانه بیش از 15 هزار تن پنبه را تصفیه میکرد و از پنبه دانه آن برای تولید روغن و صابون استفاده می شد. یک مقدار زیاد پنبه به بازارهای خارج بخصوص اتحاد شوروی بطور بارتر از طریق شرکت های مربوطه صادر میگردد و قسمت دیگر پنبه در صنایع نساجی کشور در فابریکات نساجی پلخمری، جبل السراج و کابل در آنوقت بکار گرفته می شد. همچنان با اعمار فابریکه قند بغلان، زراعت لبلبو نیز انکشاف نمود که سالانه با تولید 5000 تن شکر، تقریباً 20 فیصد مایحتاج شکر کشور را تأمین میکرد. اعمار فابریکه نساجی پلخمری و دستگاه تولید برق آن و نیز فابریکه سمنت و بعضی دیگر از جمله میباشند.

**3 - در ساحه پول و بانکداری:** با تأسیس بانک ملی افغان تحولی که در تنظیم امور تجارت بارآمد، دست افراد آنهم عده ای از تاجران یهودی و هندی از تجارت خارجی گرفته شد و بیشتر به شرکتهای

خصوصی افغانی واگذار گردید و بانک برای تنظیم امور آن، نه تنها شعب و نمایندگی های خود را در کشورهای مختلف باز کرد، بلکه با عقد قراردادهای تجارتي با بعضی کشورهای از جمله آلمان، پولند، چکوسلواکیه، ایتالیا، هند و انگلستان زمینه های انکشاف تجارت را بیشتر فراهم ساخت و به حیث یک بانک توانست با عرضه خدمات بانکی اعتماد و اعتبار معامله داران را به خود جلب نماید و پرداختهای تجارتي را به شکل معمول جهانی بین طرفین تضمین کند و در مورد تثبیت و استقرار نرخ تبادل افغانی با دالر و دیگر اسعار خارجی اقدام نماید. در عین زمان روابط تنگاتنگ دولت با بانک ملی موجب شد که میان دولت و سکتور خصوصی همکاری و اشتراک منافع طوری تقویه شود که حتی این بانک مرجع معاملات و سهامدار شدن اراکین دولت، خاصاً صدراعظم و برخی از حلقات خانواده سلطنتی در این شرکتها گردید که شرح آن از زبان عوام در اینجا نمی گنجد.

عبدالمجید خان زابلی دریکی از یادداشتهای خود می نویسد: «پنج روز بعد از آغاز جنگ جهانی دوم به علت خطر مسدود شدن راه اروپا، قبل از اینکه افغانستان به امریکا روابط سیاسی داشته باشد، برق آسا "افغان امریکن تریدنگ کمپنی" نیویارک را تأسیس نمودیم و تجارت به سمت اروپا و امریکا از طریق پاسیفیک شروع شد و همین اقدام به موقع سبب صادرات افغانستان به امریکا گردید و چون در مقابل وارداتی از امریکا نداشتیم، در عوض ذخیره طلای امروز "د افغانستان بانک" با همین تشبث خصوصی و اعتماد متقابل میان دولت و سکتور خصوصی بوجود آمد... قیمت این طلا در آن موقع در بازار آزاد بالغ بر 31 میلیون دالر بود و این مبلغ از مازاد صادرات برداشت شد. طلایی که در آن زمان از قرار فی دالر 13 افغانی خریداری شده، بعداً بخاطر بلند رفتن نرخ دالر و صعود قیمت طلا در بازار جهانی بسیار بلند رفته که قدرت "د افغانستان بانک" و نشر پول کاغذی بروی همین ذخایر طلا استوار است.» (کتاب "یادداشت های عبدالمجید خان زابلی"، ...، صفحه 13)

متأسفانه اسنادی که چه اندازه از این ذخایر طلا به حساب دولت در "د افغانستان بانک" به حیث ملکیت عامه داخل گردید و چه مقدار دیگر به حسابهای شخصی اعم از شخص عبدالمجید خان و نیز شرکای حکومتی و خاندانی واریز شد، در دست نیست. حجم دارائی شخصی عبدالمجید خان زابلی را میتوان از وراثت و وصیت نامه او که به تفصیل در کتاب یادداشت هایش درج است و تنها شامل عواید ناشی از دارائی ها او در امریکا میباشد نه اصل دارائی او، تخمین کرد. جای شک نیست که هر یک از شرکا و سهامداران قانونی بانک و شرکت های مربوطه آن، با استفاده از امتیازات بزرگ انحصارات تجارتي، صاحب ثروت سرشار شدند و از این طریق طبقه مرفه الحال جدید در کشور به وجود آمد، اما اینکه این فعالیت ها تاچه حد بر حیات روزمره عامه مردم و انکشاف زیربنای های حیاتی کشور اثر بخشید، سؤال دیگریست که غبار در جلد دوم کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ" شرح مفصل و انتقادی در زمینه ارائه داشته است. (برای شرح مزید دیده شود: کتاب مذکور صفحه 193 - 200)

موضوع مهم دیگر در آنوقت همانا ضرورت به نشر پول کاغذی بود که پس از سقوط حکومت سقوی در زمان سلطنت محمدنادر شاه نوت های دوره امانی از جریان کشیده شد و بجای آن نوت جدید نشر نگردید. در این دوره پول رایج همان سکه های نقره ای دوره امانی بود که در عصر سلطنت محمدنادر شاه نیز یک مقدار سکه های جدید ضرب زده و به دوران انداخته شد. از آنجائیکه مسکوکات نقره ای وضعاف آن نظربه مشکلات عدیده از لحاظ انتقال، نگهداشت و از همه مهمتر محدودیت مقدار جهت دوران سالم پولی ایجاب میکرد تا نوت های کاغذی به حیث یک وسیله مؤثر تبادل در اقتصاد نشر و به دوران انداخته شود، لذا حکومت به نشر پول جدید کاغذی تصمیم گرفت. اما سیاست محافظه کارانه



آنوقت مانع تشکیل فوری بانک مرکزی دولتی می شد که صلاحیت نشر بانکنوت را داشته باشد و چون بانک ملی افغان به حیث یک مؤسسه خصوصی، صلاحیت نشر بانکنوت را نداشت، لذا حکومت به نشر "نوتهای خزانه" اقدام کرد که از طرف مرجعی بنام "خزانه ملی افغانستان" وعده داده شده بود تا عندالمطالبه در بدل نوت مذکور به همان پیمانہ پول نقره را به حامل و دارنده نوت تادیه کند.

مفکوره نثر این نوتها در آغاز سلطنت محمد ظاهرشاه مطرح گردید و به تاسی از آن در سال 1314 نوتهای کاغذی چاپ و به دوران انداخته شد. نوتهای خزانه به شکل دو، پنج، ده، بیست، پنجاه و صد افغانیگی به رنگهای مرغوب و اندازه های متفاوت بطور آفست در کشور سوئیس چاپ گردید. در این نوتها که در روی آن نشان افغانستان و در عقب آن عکس منار استقلال جا داشت، فاقدعکس پادشاه کشور بود و نیز نامی از دارالمضاربه و یا بانک و یا کدام مؤسسه دیگر در آن دیده نمی شد، بلکه به نام "خزانه ملی افغانستان" از طرف وزارت مالیه انتشار یافته بود که چند نمونه نوتهای مذکور از اینقرار اند:



(نمونه نوتهای خزانه - دوره شاهی - صد، ده و دو افغانیگی)

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ



(سکه یک افغانیگی دوره نادرشاهی 1310)

در اواخر سال 1316 حکومت تصمیم گرفت تبادل نوتهای خزانه را با نقره منسوخ کند. این تصمیم بدون کدام مشکل عملی شد و از آن تاریخ به بعد نوتهای خزانه با آنکه قابلیت تبادل با نقره را از دست داده بود، اما از طرف مردم به حیث پول معتبر کما فی السابق

مورد استفاده قرار گرفت. مقدار نوتهای خزانه که در دوران بود، جمعاً به مبلغ 200 میلیون افغانی میرسید که تا آخر به استثنای 60 میلیون نوت دو افغانیگی، دیگر همه آن در جریان بود و اما چون ضرورت برای مقدار مزید پول در دوران روز بروز بیشتر محسوس میشد، لذا نوتهای خزانه تا آخر سال 1321 (1943) در جواربانکوت های جدید منتشره "د افغانستان بانک" در دوران باقی ماند و مورد داد و ستد قرار داشت.

(قابل توجه: اندازه نمونه نوتهای خزانه از اندازه اصلی نوتها فرق دارد و صرف به هدف نمایش به اندازه کوچکتر از اصل در این نوشته کاپی شده است. برگرفته از کلکسیون محمدطارق مهداوی با تشکر از ایشان.)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ